

اعمال فراسرزمینی مقررات رقابت اتحادیه اروپایی

فرهاد باقری^{۱*}، مسعود علیزاده^۲

چکیده

در عصر جهانی شدن و درهم تنیده شدن حوزه‌های مختلف فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی ارتباط میان افراد و کشورها نیز گسترده‌تر و نزدیک‌تر می‌شود. این نزدیکی در روابط به خصوص در حوزه‌های اقتصادی، سبب برخورد، تقابل و تعارض قوانین کشورها می‌شود؛ قوانینی که اعمال آنها بر منافع کشورها گره خورده است. گاهی این منافع در خارج از مرزهای یک کشور واقع شده‌اند. اعمال قوانین بر مسائلی که در خارج از مرزهای یک کشور قرار دارد، با موانع فراوانی روبه‌روست. جدای از تعارض حوزه‌های قضایی دو یا چند کشور، حاکمیت کشورها از موانعی است که از اعمال قانون یک کشور در کشور دیگری جلوگیری می‌کند. از طرفی قوانینی مانند قوانین رقابت که با حوزه‌های اصلی منافع اقتصادی و نظم عمومی و اقتصادی یک کشور گره خورده است، از چنان اهمیتی برخوردارند که اگر در خارج مرزها نقض شوند، دولت‌ها به‌سادگی از آن نخواهند گذشت. در این نوشتار با روش تحلیلی، توصیفی و تطبیقی رویه اتحادیه اروپایی در اعمال فراسرزمینی حقوق رقابت در محدوده حاکمیت دولت‌ها در جلوگیری از اعمال فراسرزمینی قوانین این قانون، نحوه صدور رأی و آثار مترتب بر آن و همچنین چگونگی اجرای آنها بررسی می‌شود.

کلیدواژگان

اتحادیه اروپایی، حاکمیت، حقوق رقابت، رویکرد فراسرزمینی، رویه قضایی، قلمرو قوانین.

۱. دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

Email: farhadbagheri69@ut.ac.ir

۲. استادیار، دانشکده حقوق، دانشگاه پیام‌نور، ایران.

Email: Massoud.alizadeh1@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۱۰/۰۷، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۲/۱۰

مقدمه

اجرای برون مرزی قوانین از پیچیده ترین و بحث برانگیزترین مسائل مطرح شده در حقوق بین الملل است، چراکه این مسئله، حاکمیت دولت‌ها را به چالش می کشد. اعمال فراسرزمینی قانون به اقدام دادگاه ملی در اعمال قانون ملی نسبت به اشخاص اعم از حقیقی و حقوقی در خارج از صلاحیت و قلمرو کشور متبوع دادگاه گفته می شود. امروزه اقتصاد به هم پیوسته جهان و گسترش روابط تجاری و بازرگانی سبب شده که مسائل حقوقی مربوط به رقابت و دادوستدهای تجاری در دهکده جهانی به یکدیگر پیوند بخورد. به طوری که اگر کشوری قوانین رقابت را اتخاذ کند، تهدید نقض این قوانین را صرفاً در قلمرو کشور خود ندارد، بلکه ممکن است این حقوق در فراسوی مرزها مورد نقض و تخطی واقع شود و رفتارهای ضد رقابتی در بیرون از مرزهای کشورها رخ دهد. بالطبع اولین سؤالی که در این حوزه مطرح می شود، این است که اگر رفتاری ضد رقابتی از یکی از این بازیگران در دولتی دیگر سر زد، دولت متضرر چگونه می تواند ضمانت اجراهای قوانین رقابت خود را در آن کشور اعمال کند. اتحادیه اروپایی یکی از موجودیت های حقوقی بین المللی است که دارای ویژگی های خاص حقوقی مختص به خود است. دیوان دادگستری اتحادیه اروپایی در آرای مختلفی اقدام به صدور رأی با محتوای اعمال فراسرزمینی حقوق رقابت کرده است که به موجب این آرا بازیگران اقتصادی زیادی با جرایم مالی و سایر جرایم قابل اعمال به نقض حقوق رقابت روبه رو شده اند. سؤالی که مطرح می شود این است که شیوه دادرسی دیوان در مورد بازیگرانی که خارج از صلاحیت دیوان مذکور بوده اند چیست؟ دیوان چگونه توانسته از پس مانع حاکمیت دولت‌ها برآید. همچنین ضمانت اجرای این آرا در کشورهای ثالث چیست؟ آیا چنین اقدامی با اصول حقوق بین الملل و اصل برابری حاکمیت دولت‌ها همخوانی دارد؟ در این مقاله در بند ابتدایی به رویکرد اعمال فراسرزمینی از منظر حقوق بین الملل پرداخته خواهد شد. در بندهای بعدی به جایگاه دادگاه های ملی و دیوان دادگستری اتحادیه اروپایی و رویه آن در اعمال فراسرزمینی قوانین پرداخته می شود و در نهایت ضمانت اجرای آرای متضمن اعمال فراسرزمینی مقررات رقابت اتحادیه اروپایی بررسی و تحلیل می شود.

اعمال فراسرزمینی قوانین از منظر حقوق بین الملل

سابقه مبحث اعمال فراسرزمینی قانون در حقوق بین الملل به رأی سال ۱۹۲۷ دیوان دائمی بین المللی دادگستری در قضیه لوتوس برمی گردد و دیوان در این قضیه با اکثریت آرا رأی به این مسئله داد که تعیین صلاحیت دادگاه ملی نیازی به قانون اجازه دهنده در حقوق بین الملل ندارد، بلکه این عمل اقدام حاکمیتی دولت‌هاست، مگر اینکه در مواردی خاص توسط همین

حقوق بین‌الملل منع شده باشد (PCIJ, LOTUS case 1927, Para. 9 – 30) با این رأی معروف دیوان دائمی بین‌المللی دادگستری بحث اعمال فراسرزیمینی مطرح و پذیرفته شد. البته این اعمال در نظر دیوان به حدی است که توسط حقوق بین‌الملل یا معاهده‌ای عام یا خاص ممنوع نشده باشد (ICJ, Barcelona traction case 1970, rep 3 at 65 et seq). در دیوان بین‌المللی دادگستری نیز به مسئله اعمال فراسرزیمینی قوانین پرداخته شده است. در قضیه بارسلونا تراکشن قاضی جرالد فیتز موریه اعلام می‌کند که حقوق بین‌الملل در خصوص حوزه‌های صلاحیتی دولت‌ها در رابطه قوانین آنتی‌تراست ایجاد تفکیک را تحمیل نمی‌کند، ولی مسلماً حدودی را مشخص می‌کند. قاضی فیتز موریه به دولت‌ها توصیه می‌کند که در اعمال قوانین خود بر قضایایی که دارای عنصر خارجی است، از اعمال بیش از آنچه ضروری می‌نماید، خودداری کنند. بدیهی است که امروزه، کاستی موجود در قوانین حقوق تجارت بین‌المللی همان نبود مقررات و حقوق رقابت یکپارچه و مدون بین‌المللی است. این خلأ یا توسط موافقت‌نامه‌های دو یا چندجانبه پر می‌شود و دولت‌ها رفتار خود را با این موافقت‌نامه‌ها تنظیم می‌کنند یا در صورت بروز رفتار ضدرقابتی دولت‌ها روی به اعمال فراسرزیمینی حقوق رقابت خود می‌کنند. در ادامه، پیش از ورود به بحث به صورت خلاصه مفهوم حقوق رقابت و منابع حقوق رقابت در اتحادیه اروپایی بررسی می‌شود.

مفهوم حقوق رقابت

حقوق رقابت مجموعه‌ای از قوانین و مقررات تنظیم‌کننده رفتار بازیگران فعال در بازار به‌منظور افزایش سود فعالیت‌های آنها در راستای منافع جامعه است؛ همچنین افزایش رفاه مصرف‌کننده است (Whish, 2001: 11). حقوق رقابت به‌هیچ‌وجه تنظیم‌کننده معادلات اقتصادی بازار مانند میزان عرضه و تقاضا، تورم، رکود و... نیست؛ اما حقوق رقابت میزان دخالت دولت در بازار و اقدامات آن مانند کمک‌های دولتی، یارانه و... را مشخص می‌کند (Rodger, 2001: 11). حقوق رقابت یکی از شاخه‌های حقوق اقتصادی است که مفهوم مدرن و امروزی آن که دارای اصول و قواعد مشخص و استانداردهای جهانی در کنار معادلات داخلی اقتصادی و رویکرد هر دولت نسبت به اقتصاد خود است، شاید عمری بیش از هشتاد سال نداشته باشد. البته با توجه به این نکته که حقوق رقابت میزان و چارچوب دخالت و کمک‌های آن در و به بازار را مشخص می‌کند، می‌تواند گفت عملاً حقوق رقابت در اقتصادهای غیرآزاد و تماماً دولتی معنا و مفهومی پیدا نخواهد کرد.

حقوق رقابت در اتحادیه اروپایی و منابع آن

حقوق و مقررات رقابت در اتحادیه اروپایی مجموعه‌ای از قوانین و مقررات است که ضمن تضمین رقابت عادلانه میان فعالان اقتصادی و بنگاه‌های تولیدی (Jones, 2014: 1) رفتار ضدرقابتی را کنترل می‌کند و از ایجاد کارتل‌ها و انحصار و همچنین لطمه به منافع جامعه جلوگیری می‌کند. همچنین در تلاش است تا رفاه مصرف‌کنندگان را ارتقا بخشد (Weatherill, 2006: 504). اصول و مقررات رقابت در اتحادیه اروپایی امروزه در مواد ۱۰۱ تا ۱۰۹ معاهده عملکرد اتحادیه اروپایی (معاهده عملکرد اتحادیه اروپایی) که با مجموعه‌ای از مقررات و آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌ها تکمیل شده است، نشأت می‌گیرد. اصول مقررات رقابت در فصل اول از عنوان هفتم معاهده عملکرد اتحادیه اروپایی گنجانده شده است. در این فصل صلاحیت ایجاد مقررات و دستورالعمل‌های رقابت بر مبنای اصول و مبانی مندرج در مواد ۱۰۱ و ۱۰۲ بر عهده شورا است که پس از پیشنهاد کمیسیون و مشورت با پارلمان اروپایی اقدام به تصویب مقررات می‌کند (ARTICLE 103 (1)). این مقررات و دستورالعمل‌ها مشتمل و متضمن رعایت اصول مندرج در بند ۱ ماده ۱۰۱ و ماده ۱۰۲ از طریق اعمال و جریمه‌های مالی و تعلیقی است.

جایگاه دادگاه‌های ملی در اعمال فراسرزمینی مقررات رقابت

مقررات رقابت در اتحادیه اروپایی دارای ویژگی الزام بلافصل‌اند؛ بدین معنا که اشخاص می‌توانند نسبت به نقض حقوق اتحادیه یا نادیده انگاشته شدن حقوق خود از طریق دادگاه‌های ملی اقامه دعوا کنند (کدخدایی، ۱۳۸۱: ۱۰۲). دیوان بارها این دکترین را تأیید کرده است (Case 26/26 [1964] ECR 585, Case Costa v. Enel 6/64 [1963] ECR). از این‌رو دادگاه‌های ملی حق رسیدگی به نقض مقررات رقابت را دارند، هرچند آرای این دادگاه‌های ملی ویژگی اعلامی دارد و نه تأسیسی (Frenz, 2016: 620)، چراکه صلاحیت آرای متضمن ویژگی تأسیسی در مورد حقوق اتحادیه صرفاً در اختیار دیوان دادگستری اتحادیه اروپایی است (Schutz, 2012: 153)، اما در صورتی که یک رفتار ضدرقابتی از سوی کشورهای ثالث رخ دهد، صلاحیت قانون اتحادیه زمانی احراز می‌شود که بر تجارت میان اعضا تأثیر گذاشته باشد. از آنجا که دادگاه‌های ملی صلاحیت صدور آرای متضمن ویژگی تأسیسی ندارند، اگر شرکت یا شخص متضرر در دادگاه ملی اقامه دعوا کند و مدعی تأثیر تجارت بر رقابت با سایر اعضا باشد، دادگاه ملی باید قضیه را به دیوان دادگستری ارجاع دهد تا دیوان نظر خود را در مورد قضیه اعلام کند و در اصطلاح حکم مقدماتی صادر کند (Lorenz, 2013: 52). اصولاً هر گونه صدور رأی مبنی بر میزان خسارت، جریمه، مدت زمان مجازات و ... تا وقتی که اتحادیه حکم مقدماتی صادر نکرده، خارج از صلاحیت دادگاه‌های ملی است.

نقش دیوان دادگستری اتحادیه اروپایی در اعمال فراسرزمینی

مقررات رقابت

در رویه قضایی دیوان اتحادیه اروپایی چند قضیه از سایر قضایا اهمیت بیشتری دارد. این قضایا عبارتند از قضیه *woodpulp*، *dyestuffs*، *GIS*، قضیه مربوط به *OPEC*. شباهت این قضایا به یکدیگر در استناد به اصول حقوق بین‌الملل در رابطه با اعمال فراسرزمینی قوانین برخاسته از قضیه *لوتوس* در دیوان دائمی بین‌المللی دادگستری و اشاره به قلمرو ماده ۸۵ (۱۰۱ و ۱۰۲ فعلی) معاهده جوامع اروپایی و اشاره به دکترین اثر است. در بقیه قضایا مستشار و دیوان از مناظر مختلف به‌نوعی آرای پیشین را بسط داده و اصول قبلی مندرج در آرا را تکرار کرده‌اند.

۱. قضیه *dyestuffs*: نظر مستشار و رأی دیوان

در این قضیه که مربوط به توافق چند شرکت خارجی برای تعیین قیمت مواد اولیه رنگ و عرضه آن در قلمرو اتحادیه اروپایی بود، شرکت‌های خارجی مدعی بودند که اقدام کمیسیون در اعمال جریمه بر آنها که در کشورهای خارج از صلاحیت جامعه اروپایی ثبت شده‌اند، از سه منظر مورد انتقاد است: قانون جامعه اروپایی و متن ماده ۸۵؛ قوانین داخلی کشورهای یا همان قوانین ملی، حقوق بین‌الملل. در مورد اول، مستشار به دیوان یادآور می‌شود که متن ماده ۸۵ معاهده جوامع اروپایی صرفاً به این نکته می‌پردازد که هر گونه رویه و رفتار مخل رقابت در اتحادیه اروپایی ممنوع است و مقررات مواد ۸۵ و ۸۶ بر آن اعمال می‌شود. نظر مستشار درست به نظر می‌رسد؛ این ماده به‌هیچ‌وجه به منبع و منشأ این رویه و رفتار ضدرقابتی اشاره نمی‌کند. همچنین مستشار با استفاده از رویه‌های پیشین دادگاه‌های ملی در داخل جامعه و خارج از جامعه اعلام می‌کند که اگر رفتار ضدرقابتی در خارج از مرزهای جامعه رخ دهد، در صورتی که دارای اثر مستقیم و اساسی و فوری بر بازار داخلی اتحادیه شود، می‌توان قوانین رقابت جامعه اروپایی را بر آن اعمال کرد. هر چند مستشار در بخشی از نظر خود به امکان اعمال فراسرزمینی و امکان استناد به دکترین اثر می‌پردازد، جالب توجه است که دیوان از استناد به دکترین اثر امتناع می‌ورزد. دیوان در رأی خود از دکترین موجودیت واحد اقتصادی و ارتباط شرکت‌های زیرمجموعه و تابع استفاده می‌کند. به این معیار در بخش خود پرداخته خواهد شد. در رویه قضایی بعدی دیوان دادگستری اتحادیه اروپایی که مستقیماً با رویکرد فراسرزمینی ارتباط دارد، هم مستشار و هم دیوان با استناد به قضیه *dyestuffs* درصدد تحلیل این قضیه و توجیه رویکرد فراسرزمینی برمی‌آیند. نظر مستشار در قضیه *woodpulp* به روشن‌تر شدن نظر دیوان در مورد رویکرد فراسرزمینی کمک شایانی خواهد کرد.

۲. قضیه woodpulp: نظر مستشار و رأی دیوان

این قضیه مربوط به توافق چند شرکت تولیدکننده مایه خمیر کاغذ، تأثیر بر قیمت و انحصار عرضه آن در اقصی نقاط جهان است. کمیسیون به علت تأثیر این توافق بر بازار اتحادیه، شرکت‌های خارجی را جریمه کرد. شرکت‌های معترض در دادخواست خود به رویه پیشین دیوان مبنی بر عدم استفاده از دکترین تأثیر در جریمه شرکت‌های خارجی استناد می‌کنند. مستشار در بند ۱۲ توضیح می‌دهد که مستشار در قضیه dyestuffs به دیوان توصیه کرده است که امکان استفاده از دکترین تأثیر در رأی وجود دارد، ولی همان‌طور که اشاره شد، دیوان ترجیح می‌دهد از دکترین تأثیر استفاده نکند و استدلال خود در رأی نهایی را بر رویکرد واحد یکپارچه اقتصادی استوار کند. در همان قضیه پروفیسور گلدمن، یکی از قضات دیوان، به صراحت اعلام کرده بود که از سکوت دیوان در مورد یک مسئله به هیچ‌وجه نباید مخالفت دیوان را با آن نتیجه گرفت، مگر اینکه خود دیوان در مورد آن توضیحاتی ارائه کند. مستشار در بند ۵۴ اعلامیه خود به دیوان به سند پنجاه و پنجمین نشست انستیتوی حقوق بین‌الملل در نیویورک اشاره می‌کند. براساس ماده ۵ این سند کشور می‌تواند قوانین خود را به خارج از مرزها اعمال کند، در صورتی که اقدام خارج از مرزها دارای اثر اساسی و به صورت مستقیم و با قصد اثرگذاری انجام گرفته باشد. بدیهی است که مصوبات انستیتوی حقوق بین‌الملل قدرت الزام‌آور ندارد، ولی از آنجا که اعضای آن از میان نمایندگان نظام‌های حقوقی مختلف انتخاب شده‌اند و توافق آنها در مورد یک موضوع می‌تواند اهمیت فراوانی داشته باشد، این سند می‌تواند حائز اهمیت فراوانی باشد. مستشار در پایان توصیه می‌کند با استفاده از دکترین به بررسی تأثیر اعمال فراسرزمینی بپردازد.

مورد خاص اوپک

اوپک برای تضمین منافع اعضای خود سالانه جلساتی در سطح وزرا و کارشناسان برگزار کرده و در مورد میزان تولید و عرضه نفت تصمیم‌گیری می‌کند. بی‌شک چنین اقدامی ناگزیر سبب تأثیر بر قیمت نفت در بازار جهانی می‌شود. برای مثال هر جا قیمت نفت کاهش یابد، میزان تولید اعضا نیز کاهش می‌یابد تا قیمت افزون شود. نیازی به توضیح نیست که چنین اقدامی نقض مقررات رقابت است. اقدامی که اوپک انجام می‌دهد، اعم از ایجاد رویه‌های هماهنگ و مشترک نسبت به تولید، عرضه و قیمت‌گذاری کالا، ایجاد جایگاه بالادستی در بازار فروش نفت که به نفع اعضای خود است (Lento, 2014: 282)، ایجاد محدودیت در عرضه، دستکاری قیمت‌ها از طریق تحدید تولید و عرضه و سوءاستفاده از جایگاه در بازار نفت، بی‌شک نقض

مقررات رقابت از طریق ایجاد یک کارتل^۱ در سطح بسیار کلان است. با وجود این اوصاف نه اتحادیه اروپایی و نه آمریکا به‌عنوان دو نمونه از کشورهایی که دارای مقررات شدید رقابت و ضد تراست و سابقه اعمال مکرر فراسرزمینی آن‌اند، اقدامی علیه این سازمان انجام نداده‌اند. در نظر ماریو مونتینی^۲، کمیسیون سابق رقابت اتحادیه اروپایی، مقررات رقابت اتحادیه اروپایی نمی‌تواند بر اوپک اعمال شود، چراکه اوپک متشکل از حکومت‌های چند کشور است و یک بنگاه اقتصادی نیست. نمی‌توان حکومت یک کشور که در حال اعمال سیاست‌های کلان خود بر بخش‌های مختلف اقتصادی است را، بنگاه اقتصادی قلمداد کرد، چراکه در صورتی که عکس آن فرض شود و حکومت یک بنگاه اقتصادی تلقی شود، آن وقت می‌توان به سیاست‌گذاری‌های یک کشور واکنش نشان داد که در این حالت کمیسیون می‌تواند در امور داخلی کشورها در هر حوزه‌ای دخالت کند. این اتفاق ناقض اصول مقررات بین‌المللی و نقض حاکمیت دولت‌هاست. از طرف دیگر خود دیوان نیز در قضیه *montecatini* اشاره‌ای به این مسئله ندارد که آیا نقض مقررات رقابت از سوی اوپک صورت گرفته است یا خیر یا اینکه چگونه می‌توان مقررات رقابت را بر آن اعمال کرد (*Montecatini v. commission, case c-235/92 [1999] ECR-I 362*). این قضیه مربوط به دعوی است که چند شرکت تولیدکننده ماده پلی‌پروپیلن متهم به نقض مقررات رقابت و ایجاد قیمت ثابت در مورد این محصول شدند. کمیسیون رأی به جریمه آنها داد، ولی این شرکت‌ها در دادگاه اقامه دعوا کردند که این تعیین قیمت ناشی از دستکاری قیمت و نوسان قیمت نفت توسط اوپک بوده است. از طرفی، اوپک یک سازمان دولتی است که وزرای کشورهای عضو در جلسات آن حضور می‌یابند. نه تنها در این مسئله مصونیت سازمان‌ها و افراد دیپلمات مطرح می‌شود، بلکه صلاحیت کمیسیون برای اعمال جریمه و محکوم کردن دیپلمات‌ها و سازمان‌های بین‌الدولی جای سؤال دارد. اگر فرض کنیم کمیسیون صلاحیت اعمال جریمه و اقامه دعوا علیه سازمان‌های دولتی را هم داشت، مشکل دیگر این است که دارای صلاحیت کیفری برای مجازات افراد حقیقی نیست. انتقال این صلاحیت از طریق یک دستورنامه به دولت‌های عضو، اصلاً امکان‌پذیر نیست که یک دولت، یک سازمان بین‌الدولی و وزرای کشورهای مختلف را جریمه کند. اما واقعیت فراتر از مبانی حقوقی است. واقعیت این است که اروپا به نفت اوپک نیاز دارد. همسایگی اروپا با قاره آسیا و عضو کشورهایی مانند عراق، ایران، کویت، قطر و عربستان که می‌توانند با طی کردن کمترین مسیر و هزینه، نفت و گاز را به

۱. کارتل یک سازمان رسمی متشکل از چند تولیدکننده رقیب که به‌صورت ضمنی یا صریح توافق می‌کنند که به اقدامات ضد رقابتی مانند تعیین قیمت، میزان تولید و تقسیم بازار خود بپردازند.

2. *Mario Monti*

مصاحبه تلفنی با ایشان در تابستان ۲۰۱۶. این مصاحبه به سفارش یکی از استادان که با نگارنده در ارتباط است، انجام گرفت. اصل مصاحبه برای استفاده در متن پایان‌نامه مقطع کارشناسی ارشد نگارنده انجام گرفته است.

اروپا برسانند، موجب می‌شود اروپا از اصلی‌ترین خریداران نفت این کشورها محسوب شود. خرید نفت با هزینه‌های کمتر از این منفعت بیشتری برای اروپا به همراه دارد. به نظر می‌رسد نکته اصلی اعمال نکردن مقررات رقابت بر اوپک و کشورهای عضو آن، منافع اتحادیه است. منافع سیاسی و اقتصادی که در بسیاری از موارد بر نرم‌ها و اصول حقوقی ترجیح داده می‌شوند.

بررسی قضیه مزیت‌های مالیاتی ایرلند برای Apple Inc.

به تازگی اتحادیه اروپا حکم جریمه مالیاتی به مبلغ چهارده نیم میلیارد دلار برای شرکت اپل صادر کرده است. این اتفاق زمانی افتاد که نتیجه بازرسی‌های کمیسیون بیانگر این بود که ایرلند در طول ۲۵ سال به شرکت اپل کمک‌های غیرقانونی دولتی می‌کرده است. این تصمیم که توسط کمیسیون اتحادیه اروپایی اتخاذ شد بسیار مجادله‌انگیز بوده است (Fortune.com/2016/08/30/apple-tax-Ireland-ruling). این کمک دولتی غیرقانونی، شامل معافیت‌های مالیاتی خاص و برقراری مزیت‌های نسبی برای شرکت اپل و فعالیت‌های آن در طول ۲۵ سال گذشته بوده است. هرچند اتحادیه صلاحیتی در خصوص مسائل مالیاتی کشورهای عضو ندارد، مسلم است اگر این قوانین مالیاتی سبب ایجاد مزیت‌های نسبی برای برخی افراد و شرکت‌ها شود، به طوری که رقابت سالم اقتصادی و تجاری را در اتحادیه اروپایی خدشه‌دار کند و به طوری که این مزیت‌ها و معافیت‌های مالیاتی نوعی کمک دولتی به اشخاص باشد، آن وقت اتحادیه اروپایی برای جلوگیری از لطمه با بازار داخلی و رقابت صلاحیت دارد. مزیت مالیاتی که اینجا مطرح است، مزیتی است که ایرلند با اعطا به اپل سبب شده اپل در طول سالیان متمادی مالیات کمتری نسبت به سایر شرکت‌های خارجی و داخلی ایرلند بپردازد. بررسی‌های کمیسیون نشان داد که این معافیت‌های مالیاتی در جهت رفع خطر از بین رفتن هزاران فرصت شغلی است که در اثر تولیدات و فعالیت‌های اپل در ایرلند ایجاد شده است. شرکت اپل در پاسخ می‌گوید در نظر آنها مزیت مالیاتی در کار نبوده است. میزان مالیات پرداختی اپل به ایرلند براساس تفاهم و توافق اپل و ایرلند در خصوص میزان و نحوه مالیات اپل به این کشور در سال ۱۹۹۱ بوده است. ادعای کمیسیون این است که اپل باید بین ۴ تا ۵ درصد سود حاصل از فروش محصولات خود را مالیات پرداخت می‌کرده است، در حالی که پرداخت مالیات حدود ۱ درصد کل سود حاصل از فروش محصولات و خدمات بوده است. قسمتی از کار تولید شرکت اپل در چین انجام می‌گیرد. کار مونتاژ سبب ارزش افزوده بر کالا می‌شود. کمیسیون مدعی دریافت مالیات از آن ارزش افزوده نیز در مجموع فروش است. در اینجا خزانه‌داری آمریکا به این اقدام اتحادیه واکنش نشان داد که اتحادیه مانند مرجع فراملی مالیات عمل می‌کند (www.ft.com/cms/apple's-EU-tax-Dispute-Explained) تاریخ رجوع: ۷ اوت

۲۰۱۶). هرچند اقامه دعوا در دادگاه توسط ایرلند و اعلام نتیجه سال‌ها به طول خواهد انجامید ولی آنچه مسلم است جایگاه برتر کمیسیون در این قضیه است. ایرلند عضو اتحادیه است. شرکت اپل نیز با توجه به مقررات سنگین مالیاتی بخش اعظم فعالیت‌های خود را به کشورهای خارج از آمریکا منتقل کرده است. هم ایرلند به وجود شرکت اپل به دلیل مزایایی مانند اشتغال، درآمد حاصل از مالیات و عوارض و ... نیاز دارد، هم اینکه اروپا محلی مناسب برای فعالیت‌های شرکت اپل است. از طرفی ایرلند باید مالیات را از اپل دریافت کند و از طرف دیگر، اپل تمایلی به پرداخت چنین رقم سنگینی ندارد و اگر این کار را نکند، به‌طور کل برای تجارت با اتحادیه در آینده دچار مشکل خواهد شد.

همان‌طور که ملاحظه شد، دیوان و کمیسیون اتحادیه اروپایی در موارد و قضایای مختلف با استفاده از استدلال‌های فراوان و البته تقریباً مشابه قانون اتحادیه را برای اعمال بر اشخاص ثالث صالح دانسته‌اند. این ادله تقریباً مشابه موجب به‌وجود آمدن نوعی نظم خاص شده است که می‌توان از آنها مبانی نظری معیارهایی را استنباط کرد. هرچند در بخش‌های پیش رو خواهیم دید که این معیارها در یک سند مدون شده‌اند.

معیارهای رویکرد فراسرزمینی در اتحادیه اروپایی

۱. رویکرد موجودیت اقتصادی واحد و یکپارچه^۱

در این دکتترین که بارها مورد پذیرش دیوان دادگستری اروپایی قرار گرفت (Case 48/69 ICI v commission, 1972, ECR, 619; case 52/69 Geigy v commission, 1972 ECR 787; case 53/69 Sandoz v commission. 1972, ECR 845)، برای تشخیص یکپارچگی یا میزان استقلال شعب شرکت‌ها چند عامل را مدنظر می‌گیرند: مالکیت، استقلال در تصمیم‌گیری، مسئولیت ریسک و سهام. اهمیت این مسائل در آن است که اگر شرکت تابع دارای عواملی مانند استقلال در تصمیم‌گیری و استقلال اداری باشد، ماده ۱۰۱ قابل اعمال است. ولی اگر شرکت یکپارچه باشد، با استناد به سوءاستفاده از موقعیت دست بالا، ماده ۱۰۲ اعمال می‌شود. این همان معیار استفاده‌شده در قضیه dyestuffs است. همچنین دیوان باید شخصیت مستقلی برای شرکت‌های فرعی و تبعی یا زیرمجموعه قائل شود، چراکه در غیر این صورت کشورهای ثالث نیز شرکت‌های تبعی و شعبات شرکت‌های جامعه اروپایی را مداوم تحت فشار می‌گذارند (Jennings, 1957: 146).

1. Single economic entity

۲. معیار مبانی حقوق و اصول بین‌المللی

دیوان در خصوص ادعایی مبنی بر اینکه تصمیم کمیسیون در جریمه شرکت‌های خارجی در قضیه woodpulp در تعارض با مقررات حقوق بین‌الملل عمومی است، پاسخ داد باید در نظر داشت که انعقاد موافقت‌نامه‌ای که بر رقابت در بازار داخلی اثر بگذارد، دارای دو عنصر است: ۱. محل انعقاد توافق و تصمیمات و رویه‌های هماهنگ‌شده و ۲. محل اجرای آن. اگر مقررات رقابت محل تنظیم قرار داد یا هماهنگی رویه صرفاً معیار قرار بگیرد، آنگاه فرصتی مناسب برای بنگاه‌ها اقتصادی ایجاد می‌شود تا رفتار خود را به هر نحوی که می‌خواهند تنظیم کنند و از مقررات ممنوع‌کننده بگریزند. اما مؤلفه تعیین‌کننده محل اجرا است. دیوان، در پاسخ به ادعای شاکیان مبنی بر اینکه در قضایای مشابه گذشته، دیوان به رویکرد موجودیت اقتصادی واحد استناد کرده بودند، ابراز داشت که هدف توافق حاصله توسط بنگاه‌های اقتصادی، اجرا و تأثیر بر بازار داخلی جامعه بوده است و اینکه شرکت مادر از طریق شعبات، دفاتر یا کارگزاران اقدام کرده است یا خیر کم‌اهمیت جلوه می‌نماید. در ضمن اصول قلمرو فرامرزی قوانین به‌طور جهانشمول در حقوق بین‌الملل پذیرفته شده که دو مورد آن در قضایای لوتوس و بارسلونا تراکشن است. رویه‌ای را که دیوان در این قضایا ایجاد کرده است، می‌توان در تطابق با اصول و حقوق بین‌الملل، رویه قضایی و رویه بین‌المللی دانست.

۳. معیار دکترین تأثیر

همان‌طور که ذکر شد، استدلال دیوان بر این مبنا استوار بود که هدف انعقاد قرارداد یا موافقت‌نامه در قضیه woodpulp اجرا در درون جامعه بوده است. اگر قرار باشد دست بنگاه‌های اقتصادی برای انعقاد قرارداد با هر هدف و غایتی برای فعالیت به هر نحوی باز باشد و صرفاً در صورت تأثیر مستقیم و اساسی بر بازار اقدام به اعمال قانون کرد، دست بنگاه‌های متخلف برای انجام رفتار ضدرقابتی، انحصار یا ادغام غیرقانونی باز می‌ماند. ضمن اینکه تفسیر صحیح از اصل سند تابع قانون محل تنظیم است، تابعیت بعد شکلی سند از قانون محل تنظیم سند است و نه بعد ماهوی آن. دیوان در چند قضیه دیگر نیز چنین نظری را پیش گرفت (Case T-102/96 Gencor v commission, 1999 ECR II- 752). براساس مصوبه شورا، فعالیت‌های بنگاه‌های اقتصادی که در خارج از اتحادیه ادغام شده‌اند و بر جامعه اروپایی تأثیر می‌گذارند و سبب ایجاد تسلط بر بازار داخل جامعه می‌شوند، در داخل اتحادیه ممنوع است. در رأی WOODPULP دیوان به‌صراحت اعلام می‌کند تا وقتی که هدف و حجم زیادی از فعالیت بنگاه‌های اقتصادی مزبور در داخل اتحادیه باشد، چنین موافقت‌نامه و رویه هماهنگی باطل است. در متون مختلف حقوقی، نظر قضات و تحلیلگران هنوز مشخص نشده است که دیوان در

قضیه WOODPULP دکترین تأثیر استفاده می کند یا خیر. نخست، در صورت بندی دکترین اثر گفته شده است که تأثیر باید بر تجارت میان کشورهای عضو، عمدی، مستقیم، اساسی و قابل پیش بینی باشد. اساسی بودن یا حداقل، چشمگیر بودن از عناصر کافی برای نقض مقررات مواد ۱۰۱ و ۱۰۲ است و قابل پیش بینی بودن (عمداً یا سهواً) عنصر لازم برای اعمال جریمه از سوی کمیسیون. مواد ۱۰۱ و ۱۰۲ همچنین رفتار و رویه ای را که غیرعمدی باشد (چه هدف و چه اثر) و سبب اثر اعم از مستقیم و غیرمستقیم شود، برای جلوگیری از فرار از دکترین اثر در شمول مقررات خود قرار می دهد. البته نیازی به این تفسیر نیست، چراکه در صورت اثبات اجرای موافقت نامه ناقض مقررات رقابت در درون جامعه این رفتار به مثابه اثر مستقیم است. در سال ۲۰۰۴ کمیسیون راهنمایی در مورد تئوری اثر در اتحادیه اروپایی ارائه کرد. در این راهنما رویه دیوان دادگستری اروپایی و اصول ایجاد شده برای این دادگاه جمع آوری شده بود. براساس بندهای ۳۶ تا ۴۶ اثر بر دولت های عضو می تواند بالقوه، بالفعل، مستقیم یا غیرمستقیم باشد (Guideline on the effect on trade concept contained in article 81 and 82 of the treaty,) (2004/C/101/07, OJ C 101/81). براساس این راهنما قلمرو مقررات اتحادیه اروپایی به حدی گسترده می شود که حتی اگر یک بنگاه اقتصادی طرف یک توافق نامه هیچ گونه فعالیت و ارتباطی با اتحادیه اروپایی نداشته باشد، به صرف طرف بودن در موافقت نامه جریمه می شود.

۴. معیار تعادل منافع

در قضیه GIS که در سال های اخیر یکی از مهم ترین و تازه ترین آرای دیوان دادگستری اتحادیه اروپایی محسوب می شود و در آن چند شرکت اروپایی و پنج شرکت ژاپنی نیز دخیل بودند، شرکت های ژاپنی نیز جریمه شدند. در این قضیه شرکت های اروپایی و ژاپنی تصمیم به تبانی برای به دست گرفتن بازار پیمانکاری تأسیسات گازی در سطح جهان گرفته بودند. البته دو طرف دست به تقسیمات ناحیه ای زده بودند؛ آسیا صرفاً در دست شرکت های ژاپنی و اروپا صرفاً در دست شرکت های اروپایی و سایر نقاط جهان توافقی، که البته سود حاصل از این پیمانکاری ها تقسیم می شد. کمیسیون این عمل را نقض مقررات رقابت احراز کرد و دستور به ابطال موافقت نامه و جریمه کردن تمامی طرف های توافق داد. ژاپنی ها به این رأی اعتراض کردند. استدلال آنها این بود که آنها نقشی در اجرای توافق نامه در مرزهای جامعه اروپایی نداشتند. کمیسیون پاسخ داد که فرقی نمی کند که حوزه فعالیت شرکتی در اروپا باشد یا خیر، چراکه شرکت های ژاپنی در کارتلایسیونی حضور داشتند که این کارتل و اقداماتش بر تجارت میان اعضای اتحادیه اثر می گذاشته است و شرکت های ژاپنی از این مسئله آگاهی کامل داشتند، در جلسات و تصمیم گیری ها شرکت داشتند یا حداقل از آن آگاه بودند (Joined cases c- 239/11 p, c 489/11 p and c- 498/11p, Siemens AG, Mitsubishi electric corp. and

می‌کند. نماینده کمیسیون در اظهارات خود اعلام می‌دارد که هر چند فعالیت بخش‌های منطقه‌ای کارتل نه اثر مستقیم و نه با هدف اثر بر اروپا انجام گرفته است، این اقدام می‌تواند بر بازار جهانی، که بازار داخلی نیز بخشی از آن است، اثر بگذارد و اثر مستقیم آن در اتحادیه در بلندمدت قابل مشاهده خواهد بود. در قضیه مزیت‌های مالیاتی ایرلند نیز همان‌طور که مشاهده شد، کمیسیون حتی به ارزش افزوده‌ای که در خارج از مرزهای اتحادیه ایجاد شده و نسبت به آن مالیاتی بسته نشده بود، معترض بوده است. این مسائل و رویه‌ها، هر چند محدود، نمایانگر تمایل اتحادیه به معیار تعادل منافع به فراخور اوضاع و احوال قضایاست.

ضمانت اجرای رویکرد فراسرزمینی مقررات رقابت

اتحادیه این قدرت را دارد که نسبت به رفتار و واقعه‌ای که در خارج از مرزها رخ می‌دهد ولی محل، هدف اجرا و اثر آن رفتار داخل مرزهای اتحادیه است، اعمال قانون کند و برای خاطیان رأی جریمه صادر کند؛ ولی چگونه می‌تواند این حکم را اجرا کند؟ به نظر می‌رسد این مسئله تنها در صورتی قابل اجراست که شرکت مادر شعبه یا دفتر یا نمایندگی در مرزهای اتحادیه اروپایی داشته باشد تا کمیسیون بتواند بر آن شعبه یا زیرمجموعه اعمال فشار داشته باشد. اتحادیه صلاحیتی نسبت به شرکت‌های خارجی و اعمال آن در کشورهای دیگر ندارد و صرفاً در پی حفظ منافع خود است. اما اتحادیه نمی‌تواند صرفاً بر اساس تصمیمات و میل سیاسی در خصوص امور تصمیم‌گیری کند یا دیوان دادگستری اروپایی بدون مبنای حقوقی و توجیه قانونی در مورد شرکت‌های خارجی حکم و رأی صادر کند. بلاشک اتحادیه اروپایی ترجیح می‌دهد تا هر طور شده با استفاده از یک دکترین حقوقی یا به‌طور کل بر مبنای اصول حقوقی، به تصمیمات خود مشروعیت بخشد. اتحادیه و دیوان دادگستری اتحادیه اروپایی باید تصمیم خود را بر مبنای حقوقی استوار سازند تا بتوانند برای اعمال جریمه و ضمانت اجرای رأی خود در مورد شرکت مادر به شرکت‌های زیرمجموعه و شعبات رجوع کنند (van Themaat, 2014: 790). به هر روی در ورای دکترین موجودیت یکپارچه اقتصادی نیز ضمانت اجرای قوی و امکان اجبار وجود ندارد. منظور این است که اگر کمیسیون شرکت مادر را جریمه کند و بخواهد از طریق شرکت تبعی چنین جریمه‌ای را دریافت کند، هیچ ضمانتی برای دریافت این جریمه وجود ندارد. فرض کنید میزان جریمه از کل ارزش سهام یا اموال شرکت خارجی در قلمرو اتحادیه بیشتر باشد. تنها راه همکاری مراجع ذی‌صلاح کشوری است که شرکت مادر در آن ثبت شده است (Dabbah, 2010: 487) که این مسئله جای بحث دارد: ابتدا باید به این

مسئله پرداخت که آیا رفتاری که برای آن رأی و حکمی صادر شده است، در کشور ثالث (ثالث اینجا منظور کشوری خارج از مرزهای اتحادیه اروپایی است) نیز رفتار غیرقانونی و ضدرقابتی محسوب می‌شود یا خیر. چه‌بسا اگر در کشور ثالث آن اقدام قانونی باشد و در قبال آن از سوی اتحادیه رأیی صادر شود، پاسخ مراجع کشور ثالث چه خواهد بود؟ به‌طور کل اگر قرار باشد تفاوت قوانین هر کشور سبب عکس‌العمل کشور دیگر و صدور رأی علیه آن شود که دیگر نمی‌توان مفهومی به نام حاکمیت را مجسم کرد. غیرمنطقی می‌نماید که کشور ثالث برای عملی که طبق قانون خود مشروع تلقی می‌کند، حتی به اتحادیه اروپایی پاسخ بدهد. از این‌رو راه‌های پیش رو عبارت‌اند از: ۱. انعقاد موافقت‌نامه با کشورهای ثالث، ۲. احترام متقابل^۱ ۳. رجوع به سازوکارهای بین‌المللی و ۴. تحریم؛ که هر یک معایب و نقایصی دارند. انعقاد موافقت‌نامه‌ای که یا بتوان در مواردی قوانین کشورها را به‌طور متقابل در قلمرو خود و در قلمرو آنها اجرا کنند یا به‌طور کل از اقدام و رفتار ضدرقابتی که منافع اتحادیه را به خطر بیندازد و سبب تأثیر بر تجارت میان اعضای اتحادیه و با سایر کشورها شود، جلوگیری و پیشگیری کند. در بحث احترام متقابل اتحادیه نیز باید قبول کند که مثلاً اگر آمریکا رأیی صادر کرد، در داخل اتحادیه اجرا شود. در این صورت اتحادیه می‌تواند رأی خود را در مرزهای آمریکا اجرا کند. مشکل پیچیده‌تر نیز می‌شود. باید میان دولت‌های عضو اتحادیه اروپایی و ایالات مختلف و همچنین صلاحیت‌های هر یک از آنها تفکیک قائل شد. رجوع به سازوکارهای بین‌المللی حل اختلاف روش دیگری است که دولت‌ها برای اینکه قضیه در دادگاه‌های ملی رسیدگی نشود، آن را برمی‌گزینند (Ismail, 2016: 154). بی‌شک یا باید به دیوان‌های بین‌المللی رجوع کرد که رضایت دو طرف برای رسیدگی نیاز است که در این حالت مسیر رسیدگی به سمت‌وسوی دیگری می‌رود. همچنین دیوان‌های بین‌المللی مانند دیوان بین‌المللی دادگستری صرفاً به درخواست‌های دولت‌ها رسیدگی می‌کنند، این در حالی است که در بیشتر اختلافات ناشی از رفتارهای ضدرقابتی یک طرف دعوا یک شرکت، شخص یا کارتل است. همچنین به‌دلیل اینکه بارها گفته شده قانون مدونی در خصوص مقررات رقابت که همه دولت‌ها آن را پذیرفته باشند وجود ندارد. مورد آخر تحریم شرکت یا کشوری است که رفتار ضدرقابتی از سوی آن رخ داده و همچنین هیچ‌گونه ضمانتی برای جبران خسارت یا اعمال رأی بر آن شرکت یا کشور وجود ندارد. بلوکه کردن اموال، توقیف و مصادره اعتبارات، محدودیت تجارت و مسائلی از این دست، از جمله روش‌های تحریم است. این اقدامی است که قدرت‌های بزرگ اقتصادی مانند آمریکا و خود اتحادیه اروپایی علیه کشورهای ضعیف‌تر انجام داده‌اند. این اقدام در حالی بوده که رفتار ضدرقابتی به‌زعم اتحادیه یا آمریکا، به‌زعم و به نص قانون کشور ثالث مشروعیت تمام و کمال داشته است.

۱. تحریم و مجازات خاطیان

تحریم در مضمون حقوق و سیاست‌های اتحادیه اروپایی، از ابزار تضمین و ارتقا و دستیابی به اهداف سیاست‌های خارجی اتحادیه اروپایی در قالب سیاست مشترک خارجی و امنیتی اتحادیه اروپایی است (en- Eeas.europa.eu/topics/sanctions-policy/423/sanctions-policy). تحریم‌ها در اتحادیه اروپایی جنبه تنبیهی ندارند، بلکه به این دلیل طراحی، اعمال و اجرا می‌شوند که سیاست‌ها و رویه کشور مقصد، اشخاص یا سایر موجودیت‌ها را تغییر دهند (Natalino, 2016: 278). اعمال تحریم علیه رفتارهای ضدرقابتی امروزه به یکی از معمول‌ترین روش‌های اتحادیه تبدیل شده و مشروعیت آن توسط منشور ملل متحد تأیید شده است (Ghodoosi, 2015: 4). حق اعمال تحریم و جریمه‌های مربوط به آن در اتحادیه اروپایی بر عهده کمیسیون است، هرچند مراجع ذیصلاح رقابت در کشورهای اروپایی نیز حق اعمال چنین جریمه‌ها و تحریم‌های نیز دارند. اما انتقادات وارد بر نظام تحریمی و تنبیهی کمیسیون اتحادیه اروپایی عبارت‌اند از: هیچ‌گونه جریمه مالی بر افراد اعمال نمی‌کند، میزان جریمه‌ها مشخص نیست و نمی‌توان رویه دادگاه را پیش‌بینی کرد، هماهنگی میان ضمانت اجرای عمومی و شخصی وجود ندارد یا کافی نیست (GERADIN: 2011: 5). البته هیچ‌گونه مانع حقوقی برای جریمه افراد وجود ندارد. در متن مقرر ۱/۲۰۰۳ نیاز به اصلاح وجود دارد، چراکه این مقرر تنبیه و تحریم‌ها را صرفاً بر بنگاه‌های اقتصادی و اتحادیه‌های بنگاه‌های اقتصادی قابل اعمال می‌داند. از طرفی مجازات زندان و سایر مجازات‌های کیفری در سطح اتحادیه (نه کشورهای عضو) به‌عنوان ضمانت اجرای تخطی از مقررات رقابت وجود ندارد.

۲. تعقیب کیفری نقض مقررات رقابت

در سطح اتحادیه اروپایی آرای دارای ماهیت کیفری برای نقض مقررات رقابت صادر نمی‌شود. در بخش‌های پیشین نیز ذکر شد تشخیص اینکه رفتار ضدرقابتی در خارج از قلمرو اتحادیه بر تجارت میان اعضا تأثیر گذاشته است یا خیر، بر عهده دیوان دادگستری اتحادیه اروپایی است و دادگاه‌های ملی در این مورد صلاحیت ندارند. اگر دیوان دادگستری اتحادیه اروپایی تشخیص داد که رفتار ضدرقابتی بر تجارت میان اعضا اثر گذاشته است و با این فرض که شرکت خاطی حتی زیرمجموعه یا شعبه‌ای در قلمرو اتحادیه اروپایی ندارد و همچنین با کشوری که شرکت مزبور در آن واقع یا ثبت شده هیچ‌گونه همکاری دوجانبه‌ای ندارد، ضمانت اجرا چیست؟ در اولین اقدام و ساده‌ترین اقدام، اتحادیه اروپایی در صورتی که از کشور ثالث درخواست همکاری کرد و با عدم همکاری آن کشور روبه‌رو شد، می‌تواند از طریق رکن سیاست مشترک خارجی و امنیتی نسبت به آن کشور اعمال تحریم کند؛ تجارت با آن کشور را محدود یا حتی قطع کند و

اموال آن کشور را توقیف کند. کشورهای قدرتمند مانند آمریکا و همین اتحادیه اروپایی حتی کشورهای دیگر را مجبور به قطع روابط اقتصادی با کشور خاطی می‌کنند. این کشورها نیز چون منافع بیشتری از تجارت با اتحادیه و آمریکا دارند، ترجیح می‌دهند چنین اعمال فشاری را بپذیرند. با این اقدام فشار بر کشور خاطی بیشتر نیز می‌شود. اتحادیه اروپایی حق صدور آرای با ماهیت کیفری را ندارد. رویه اتحادیه اروپایی و از آن مهم‌تر معاهدات اتحادیه اروپایی نشان می‌دهند نه تنها اتحادیه تمایلی به کیفری ساختن مسائل رقابت ندارد، بلکه هیچ‌گونه اجازه‌ای مبنی بر اقدامات پلیسی و کیفری به اتحادیه داده نشده و این صلاحیت در اختیار دولت‌های عضو باقی مانده است. در مواردی اتحادیه نمی‌تواند مجازات کیفری برای خاطیان صادر کند، اما چنین تنبیهی نیاز است، اتحادیه می‌تواند از طریق یک دستورنامه به کشوری که نزدیک‌ترین ارتباط با قضیه را دارد، دستور رسیدگی و مجازات خاطی را صادر کند. در قضایایی که دارای عنصر یا یک طرف خارجی است، در صورتی که دعوا در دادگاه داخلی اقامه شود، ابتدا دادگاه داخلی باید نظر دیوان را در مورد اینکه آیا تجارت میان اعضا صدمه دیده یا خیر جویا شود. دیوان با اعلام نظر دادگاه را مجاز به رسیدگی می‌کند. در صورتی که کمیسیون تشخیص دهد که رسیدگی در دادگاه داخلی موجب نتیجه مطلوب‌تر خواهد شد، از اقامه دعوا در دیوان خودداری می‌کند و به شورا پیشنهاد می‌دهد تا پس از مشورت با پارلمان اروپایی دستورالعملی برای کشوری که بیشترین ارتباط را با قضیه دارد، صادر کند تا دادگاه آن کشور برای اشخاص خاطی مجازات کیفری آن هم در سطح ملی در نظر بگیرد. اتحادیه اروپایی توسط کمیسیون تنها صلاحیت جریمه خاطیان (اشخاص و نه افراد) یا از طریق پیشنهاد به شورا یا به پیشنهاد نماینده عالی اتحادیه برای سیاست مشترک خارجی و امنیتی حق اعمال تحریم‌های اقتصادی و بلوکه کردن اموال شرکت یا کشور خاطی در اتحادیه را دارد. بدیهی است که تحریم زمانی صورت می‌گیرد که خاطی از پرداخت جریمه امتناع کند. این تحریم‌ها از آنجا که مشکلات زیادی در راه تجارت با اتحادیه ایجاد می‌کنند، سبب ضرر فراوان و مشکلات زیادی برای طرف‌های ثالث اتحادیه می‌شود. به نظر می‌رسد اگر اتحادیه می‌توانست حداقل تحریم و تنبیه افراد را در دستور کار خود قرار دهد، می‌توانست در جهت ضمانت اجرای مقررات رقابت قدم بلندی بردارد.

نتیجه‌گیری

اتحادیه اروپایی با شخصیت مستقل از اعضای خود به‌عنوان یک بازیگر بزرگ اقتصادی در جهان فعالیت می‌کند و بالطبع برای تنظیم روابطش با کشورهای عضو و حفظ منافع اعضای خود مقررات و قوانین رقابت را بر پایه رویکردهای حقوقی خود تنظیم و تدوین کرده است. این

اتحادیه بارها اقدام به اعمال مقررات خود نسبت به رفتارهای ضدرقابتی که در آن عنصر خارجی نقش بسزایی داشته، مبادرت کرده است. رویه‌ای که اتحادیه در طول سالیان متمادی در قضایای برون مرزی مربوط به رفتارهای ضدرقابتی پیش گرفته، در این مسیر بوده است که بتواند بین اصل عمل متقابل و جلوگیری از نقض مقررات رقابت و لطمه به رقابت در بازار داخلی توازن برقرار کند. نتیجه مطالعات من نشان می‌دهد که اتحادیه اروپایی قطع به یقین فقط از دکرترین تأثیر استفاده نکرده است. وقتی صحبت از منافع به میان می‌آید، خودبه‌خود باید به رویکرد تعادلی که عبارت است از بررسی جوانب برای یافتن بخشی از رفتار و نتیجه آن که با منافع اتحادیه در ارتباط است، توجه کرد. این رویکرد علاوه بر اعمال فراسرزمینی مقررات رقابت اتحادیه، در عدم اعمال آن نیز در صورت بروز رفتار ضدرقابتی نقش دارد. نمونه آن نیز مورد خاص اپیک است که با اینکه ماهیت این سازمان و رفتار آن تماماً ناقض مقررات رقابت است، اتحادیه از اعمال مقررات خود به این سازمان خودداری می‌ورزد، چراکه منافع اتحادیه و حتی حفظ رقابت در بازار اتحادیه نیازمند خرید نفت از این سازمان است. در کنار این مسئله دکرترین تأثیر تا حد بسیار گسترده‌ای مورد اقبال جامعه جهانی قرار گرفته است. وقتی رفتار یک عامل در داخل مرزهای اتحادیه اثر دارد، بی‌شک می‌توان در مورد آن رفتار و جلوگیری از تداوم اثر اقدام کرد. آنچه در استفاده اتحادیه از دکرترین تأثیر مورد چالش بوده، اثبات اثر بوده است. اتحادیه اروپایی در اعمال فراسرزمینی مقررات خود، دفعات بیشتری از رویکرد دکرترین تأثیر استفاده کرده است، اما برای مثال همین مورد اخیر مزیت‌های مالیاتی ایرلند برای شرکت اپل تمایل اتحادیه به دکرترین تعادلی را نمایان می‌سازد. اتحادیه به‌خوبی می‌داند که تمامی روند تولید تا فروش و خدمات شرکت اپل در اروپا نیست و بخش مونتاژ و پخش این شرکت در چین واقع شده است. همچنین به‌خوبی مطلع است که فعالیت‌های شرکت چینی که برای آن مالیاتی بسته نشده چراکه چنین صلاحیتی برای ایرلند غیرممکن است، با هدف و به قصد تأثیر و بر هم زدن رقابت در اتحادیه نیست، ولی توجه می‌کند که این عدم دریافت مالیات با نرخ مناسب توسط ایرلند از شرکت اپل منافع بازار داخلی اتحادیه را به خطر می‌اندازد. در مورد اعمال فراسرزمینی حقوق رقابت در هر قضیه دیوان دادگستری اتحادیه اروپایی با استناد به رأی قبلی و تحلیل آن براساس شرایط فعلی و همچنین اعلام تفسیر جدید از قانون اقدام به صدور حکم برای رفتارهای ضدرقابتی در خارج از مرزهای اتحادیه کرده است. در اتحادیه اروپایی در مورد دکرترین‌های اعمال فراسرزمینی با دیالکتیک هگلی مواجهیم. رویه دیوان دادگستری اتحادیه اروپایی در دکرترین تأثیر یک‌تاز (عدم امکان اعمال مقررات رقابت در سال‌های اولیه)، یک‌آنتی‌تاز (اعمال فراسرزمینی مقررات رقابت) و یک‌سنترز و راه میانه دارد (اصل بر عدم اعمال فراسرزمینی است، مگر رفتار عامل خارجی بر تجارت میان اعضا اثر مستقیم داشته باشد یا با هدف اثر گذاشتن بر تجارت میان اعضا انجام گیرد (غیرمستقیم) و

شدید باشد). دیوان دادگستری اتحادیه در طول تاریخ خود ابتدا عدم امکان اعمال فراسرزمینی، در برهه‌ای دیگر، امکان اعمال بر شرکت تابع که دارای استقلال تصمیم‌گیری نسبت به شرکت مادر است، و بعد از آن، به اعمال فراسرزمینی مقررات رقابت به شرکت مادر و تابع صرف‌نظر از وضعیت استقلال و یکپارچگی آنها و صرفاً براساس اینکه رفتار و هدف آنها بر تجارت میان اعضا تأثیر گذاشته و در برخی موارد رویکرد تعادلی را مبنای کار خود قرار داده است. دیوان در آرای خود رویکرد دکتترین تأثیر، یا رویکرد موجودیت یکپارچه و رویکرد تعادلی را به‌صورت تز و آنتی تز در مقابل یکدیگر قرار نمی‌دهد. رویکرد تأثیر اعم از رویکرد موجودیت یکپارچه اقتصادی است که دیوان از دومی به‌عنوان یک فاکتور در تحکیم آرای خود بررسی می‌کند. رویکرد تعادل منافع نیز اعم از رویکرد تأثیر است. تز: عدم امکان و عدم صلاحیت برای اعمال فراسرزمینی قوانین، آنتی تز: اعمال فراسرزمینی قوانین در خصوص شرکت‌های تابع مستقر در داخل مرزهای اتحادیه، سنتز: اعمال فراسرزمینی قوانین رقابت بر شرکت مادر و تابع در صورتی که رفتار دارای اثر مستقیم، غیرمستقیم و شدید بر تجارت میان اعضای اتحادیه باشد. البته مسیری که اتحادیه اروپایی به تأسی از ایالات متحده آمریکا در رویکرد تعادلی در حال در پیش گرفتن است، بسیار مورد انتقاد کشورهاست. رویکرد تعادلی راه میانه یا سنتز دو گزاره اعمال یا اعمال مشروط مقررات رقابت نیست. صرفاً اعمال قدرت آن هم بدون مبنای و شالوده حقوقی است. در عصر جهانی شدن و ارتباط نزدیک میان کشورهای جهان و گسترش ارتباطات در صورتی که تعاملات اقتصادی یا سیاسی با برگزیدن راهی میانه همراه نباشد، صرفاً با تعارض منافع همراه خواهد بود و بی‌شک نتیجه آن بی‌نظمی است. از این رو وجود یک سنتز نیاز است که راه میانه را برگزیند که هم منافع طرف متضرر را تضمین کند و هم ملاحظات و حاکمیت دولت مقابل رعایت کند.

منابع

۱. فارسی

۱. کدخدایی، عباسعلی (۱۳۸۱). *ساختار و حقوق اتحادیه اروپایی*، تهران: میزان.

۲. انگلیسی

A. Books

2. Clarke, Julie, (2014). *international merger policy: applying domestic law to international markets*, Edwar Elgar publishing.
3. Dabbah Maher, (2016). m., *international and competition law*, Cambridge university press (2010). Frenz, Walter, *handbook of EU competition law*, springer.
4. Ezrachi, Ariel, (2016). *Research handbook on international competition law*,

Edwar Elgar publishing.

5. Guzman, Andrew, (2011). *cooperation, comity and competition policy*, oxford university press.
6. Ismail, Mohammed A.M., (2016). *globalization and new international public works agreements in developing countries: an analytical perspective*, Routledge.
7. Jones Alison, Brenda Sufrin, (2016). *EU competition law, cases, texts and materials*, oxford university press.
8. Lorenz, Moritz, (2013). *an introduction to European Union competition law*, Cambridge University press.
9. Natalino, Ronzitti, (2016). *Sanctions and international law*, Martinus Nijhoff publisher.
10. Rodger, Barry J., Macculloch, Angus, *Competition Law*, Cavendish publishing, 2001.
11. Schutze, Robert, (2012). *an introduction to European Union law*, Cambridge University press.
12. Van themaat, Weijer verloren van, Reuder, Berend, (2014). *European competition law: a case commentary*, Edwar Elgar publishing.
13. Weatherill, Stephen, (2006). *EU law: cases. Texts and materials*, oxford university press.
14. Whish, Richard, bailey, David, (2012). *Competition law*, oxford university press.

B) Articles

15. Ghodoosi, Farshad, (2015). *the sanction theory: a frail paradigm for international law*, Harvard International Law Journal Online.
16. Jennings, Richard, (1957). *extraterritorial jurisdiction and the United States of America antitrust laws*, British year book of international law.
17. Lento, Christopher J.(2014). *shifting sands: an analysis of OPEC under US antitrust and EU competition law and how the US oil boom might change it all*, LSU journal of energy Law and Resources, volume 2, issue 2,
18. Sato, Chie,(2010). *extraterritoriality application of EU competition law: is it possible for Japanese companies to steer clear of EU competition law?* , journal of political science and sociology, no. 11

C) Internet Resources

19. Eas.europe.eu/topics/sanctions-policy/423/sanctions-policy-en
20. Fortune.com/2016/08/30/apple-tax-Ireland-ruling
21. Geradin, Damien, The EU Competition Law Fining System: A Reassessment, power point, 2011, Covington and Burling LLP, slide 5
22. Guideline on the effect on trade concept contained in article 81 and 82 of the treaty, 2004/C/101/07, OJ C 101/81
23. www.ft.com/cms/apple's-EU-tax-Dispute-Explained ٧ اوت ٢٠١٦ تاريخ رجوع:

D) Case law

24. Barcelona traction case, ICJ, 1970
25. Case 26/26 [1963] ECR,
26. Case 43/75 [1976] ECR 455
27. Case 48/69 ICI v commission, 1972, ECR, 619;
28. Case 489/11 p and c- 498/11p, Siemens AG, Mitsubishi electric corp. and Toshiba corp. v. commission
29. Case 52/69 Geigy v commission, 1972 ECR 787;
30. Case 53/69 Sandoz v commission. 1972, ECR 845.
31. Case c-235/92 [1999] ECR-I 362
32. Case costa v. Enel 6/64 [1964] ECR 585,
33. Case T-102/96 Gencor v commission, 1999 ECR II- 752
34. Joined cases c- 239/11 p,
35. LOTUS case, PCIJ, 1927